

شمیم نیایش

راز و نیاز به درگاه بی نیاز

نگارش:

حسین یونسی

یونسی، حسین، ۱۳۵۲ -

شمیم نیایش: راز و نیاز به درگاه بی نیاز / نگارش حسین یونسی. -
تهران: صائب، ۱۳۸۴.

ISBN : 964-5795-24-9

۹۴ ص.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. دعاها. ۲. مناجات. الف. عنوان. ب. عنوان: راز و نیاز به درگاه بی نیاز.

۲۹۷ / ۷۷۲

۸ ش ۹۵ ی / ۸ / ۲۶۷ BP

م ۸۴ - ۵۴۹۷

کتابخانه ملی ایران



شمیم نیایش

(راز و نیاز به درگاه بی نیاز)

نگارش: حسین یونسی

ویرایش و تصحیح: واحد تحقیقاتی صائب

حروف نگاری: محمد ملک زاده

ناشر، انتشارات صائب

لیتوگرافی: موعود

چاپ: پیام

چاپ: اول ۱۳۸۳

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۵۷۹۵-۲۴-۹

ISBN : 964-5795-24-9

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

انتشارات صائب

مقابل دانشگاه تهران - خیابان ۱۲ فروردین - تقاطع اول

شماره ۲۳۳ - تلفن: ۶۶۳۶۳۳۲۵

بدانید که این پوست نازک تحمل آتش را ندارد ، پس بر خود رحم کنید که بارها مصیبت‌های دنیا را آزموده‌اید.

مگر شما بی تابی تان را از خاری که بخراشد و لغزیدنی که مجروح کند و حرارتی که بسوزاند ندیده‌اید؟

پس چگونه‌اید آنگاه که در میان دریای آتش در افتید و ممخواب سنگ و همنشین شیطان شوید؟

خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه

عَلَيْهِ السَّلَامُ

اگر درهای آسمان و زمین بر بنده‌ای بسته شود اما او تقوای الهی پیشه کند ، خداوند حتماً برای او راه نجاتی فراهم فرماید.

فقط با خدا انس و الفت گیر و جز از باطل از چیزی مه‌راس.

خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه

عَلَيْهِ السَّلَامُ

چرا چنین شده‌اید که به اندک چیزی از دنیا شادمان شوید اما سرمایه‌های بزرگ آخرت را از کف دهید و غمگین نشوید؟

خطبه ۱۱۲ نهج البلاغه

عَلَيْهِ السَّلَامُ

از آنان مباش که به آخرت امیدوار است بی آنکه کاری کند و به آرزوی دراز، توبه را واپس اندازد. درباره دنیا چون زاهدان سخن گوید و در کار دنیا چون جویندگان دنیا را پوید. اگر از دنیا به او دهند سیر نشود و اگر از آن بازش دارند، خرسند نگردد در سپاس آنچه به او داده‌اند ناتوان است و از آنچه مانده فرونی را خواهان است.

از کار بد باز می‌دارد و خود باز نمی‌ایستد، و به آنچه خود نمی‌کند فرمان می‌دهد.

مولای متقیان علی (ع) - نهج البلاغه، قصاب الحکم ۱۵۰

عَلَيْهِ السَّلَامُ

آقا یا خانمی که این کتاب را می‌خوانی، سلام!
حتماً تاکنون لذت با خدا سخن گفتن را چشیده‌ای.
تاکنون با خداوند بدون حائل و حصار و مرز
سخن گفته‌ای

آیا به اندازه چند ذره یا چند صدم مقداری که با
دوستان و نزدیکان و غریبه‌ها صحبت می‌کنی با خدا
هم سخن می‌گویی؟

نیایش یعنی همین، با زبان دل و روح و آسوده و
بی‌حائل و حصار و مرز با خدا سخن گفتن.

خدا دوست دارد که تو با او سخن بگویی، حتی
درباره کوچکترین مسائل زندگی.

مقدمه

مردم ما این روزها بیش از هر روز دیگری به گفتگوی با خداوند محتاجند چرا که گفتگوی با خداوند انسان سرگشته سردرگم امروز را از خود بیگانگی و از جهل به خود و خدا، از فراموشی و نسیان به سوی خودآگاهی و خداآگاهی سوق می‌دهد تا خلوص به جاری ریا بنشیند و راستی به جای دروغ و اعاده حق الناس بجای چپاول بیت‌المال و عشق به زندگی و مردم به جای نفرت از زندگی و دیگران.

متأسفانه در جامعه کنونی ما طبقه‌ای اسیر زیاده‌خواهی مفرط و افزون‌طلبی حریصانه‌اند که البته آدمهای بی‌ریشه‌ای هم هستند هم از نظر فرهنگی و هم از نظر تاریخ دستیابی به پول و ثروت. افرادی که جز ضرب ارقام به چیز دیگری نمی‌اندیشند و همین موضوع باعث کشیده شدن بسیاری از افراد به ورطه هولناک پول درآوردن به هر قیمت و از هر راه ممکن شده است بخصوص اگر شد از راه چهره قانونی

بخشیدن به موضوع که آفت جامعه و پیشرفت است و جامعه را از درون پوک و تهی می‌کند و روابط اجتماعی افراد را تحت مخاطره قرار می‌دهد چنانکه در هر چیز و هر جا فقط به دنبال سود شخصی و آنی خودشان باشند نه سود عمومی و اجتماعی، و برای سود شخصی و آنی، احترام به اخلاق عمومی را مضحک بدانند و در هنگام تقابل منافع عمومی و شخصی، منافع شخصی را ارجح بدانند در حالیکه اسلام دین خدمت به خلق است و شدیداً نسبت به تلنبار کردن ثروت هشدار می‌دهد و کسب ثروت و دازایی را فقط در جهت پیشرفت دین و جامعه اسلامی می‌خواهد و می‌داند، چنانکه نه تنها مال حرام را به شدت تقبیح می‌کند حتی در اموال شخصی توصیه به خمس و زکات و مهمتر از همه توصیه به انفاق می‌کند.

در اجتماع وقتی خدا محوری جای خود را به خود محوری و من محوری می‌دهد و شخص، خود و خانواده‌اش را نقطه ثقل جهان می‌داند و همه چیز را به هر قیمت برای خود می‌خواهد و منافع عمومی را قربانی منافع شخصی می‌کند بزرگترین ضربه‌ها را بر پیکره جامعه می‌زند و بزرگترین سدها را در برابر پیشرفت آن ایجاد می‌کند در حالیکه جامعه اسلامی جامعه توحیدی و خدا محور است که حتی ثروت فقط برای کسب رضای خدا و خدمت به خلق و حرکت در جهت پیشرفت عمومی مقبول است و لاغیر. اما گروه دیگر گروهی

هستند که همه دنیا را لذت جویی می‌دانند و بی‌خبری.
و گروه سوم گروهی که همه هم و غم‌شان تأمین معاش
روزانه خانواده است و اینها هم برای تأمین معاش متأسفانه
گاهی اوقات دست به هر کاری می‌زنند، از دروغ گفتن و
چاپلوسی تا تظاهر، نان یکدیگر را بریدن، یک عمر
این سر آنرا همی زند منقار

و آن مر این را همی کشد مقلب
و عزیزترین روزهای عمر چشمشان درگیر سفره این و آن
است یا حداقل برای سفره خود خدا را روزی رسان نمی‌دانند
و کم‌کم رییس و مدیر و آقای فلانی و خانم فلانی می‌شود
خدای ایشان، و یک عمر مجیز رییس را می‌گویند و قبله آمال و
آرزوهایشان رییس می‌شود حالا اگر رییس انسان فهیمی بود
کم‌کم روابط محیط را انسانی می‌کند و اگر رییس هم در تقسیم
درآمدها یا حقوق مثل آنها بود که چاپلوسی و ددمنشی را رونق
بیشتر می‌بخشد و بر پیکر بیمار اجتماع خود ضربه می‌زند. در
حالی‌که خداوند در قرآن به تصریح می‌گوید:
در کارها به خدا توکل کن که خدا برای مدد و نگرهبانی
کفایت است.

سوره احزاب آیه ۳

ای رسول ما بگو خدای من هر که را بخواهد روزی وسیع
دهد و هر که را بخواهد تنگ روزی گرداند ولیکن اکثر مردم از
این حقیقت آگاه نیستند.

سوره سبا آیه ۳۶

ای رسول ما بگو خدای من هر که از بندگان را خواهد
وسیع روزی یا تنگ روزی می‌کند و شما هر چه در راه رضای
حق اتفاق کنید به شما عوض می‌بخشد و او بهترین روزی
دهنده است.

سوره سبا آیه ۳۹

اما در این میان گروه دیگری نیز هستند که خداخواه و
خداجویند و خدامحور، در زندگی جز رضای خدا نمی‌جویند
و جز در راه قرآن و خدا ره نمی‌پویند، برپا دارندگان نمازند و
اتفاق کنندگان، به معاد می‌اندیشند و در راه خیر جامعه و مردم
و رضایت خدا حرکت می‌کنند، اینها متقیانند و ره‌یافته‌گان.
قصه همین است و دور از دید نیست. بسیاری از آدمها اسیر
روزمرگی و روزمرگی‌اند و در این میان نیایش پل ارتباط
مستقیم و بی‌دغدغه و بی‌تشویش و بی‌ریا و بی‌دروغ با خداوند
است در معبد تنهایی خویش، در خلوت خود با خدا، تا مرز
بی‌آلایشی، تا مرز شستشوی روح، تا مرز آدم بودن یعنی
خداگونه بودن.

بخصوص لازم است نسل جوان ما در ارتباط با خداوند
برده‌ها را فرو بریزد و خدا را در لحظه لحظه زندگی‌اش بخواند
و بخواهد و با او زندگی کند که سعادت و پیشرفت فرهنگی و
تکنیکی و تنها راه فلاح و رستگاری توحید است، خدامحوری
در همه جا، همه حال، در همه چیز. و تکیه به خدا در همه جا
همه حال، همه وقت.

کارایی دعا

یک کارایی دعا این است که انسان را از شرک بطرف توحید واقعی عینی ملموس، توحید عملی و ادراکی سوق می دهد و تمام وجوه شرک و زمینه رسوخ شرک را در جان و دل آدمی می خشکاند و اطمینان و آرامش حرکت به سوی خیر و نشاط و تلاش و پویایی و بردباری و مجرد شدن از هر ناپاکی را در جان و دل می نشاند و انسان صالح، پرهیزکار و متقی، خداخواه و خداجو، و خود آگاه و خدا آگاه متولد می شود و جامعه بطرف پیشرفت تکنیکی و اخلاقی و سعادت دینی و رستگاری حرکت می کند.

کارایی دیگر دعا در تلقین است چرا که وقتی از خدا خوب بودن و صالح زیستن را طلب می کنیم ضمیر ناخود آگاه ما بطرف خیر و صلاح خیز بر می دارد و کم کم خدا محوری اصل تمام اعمال مان می شود و بخاطر تأثیر تلقین در روح و جان آدمی است که سفارش شده است قسمتهایی از ادعیه دهها بار تکرار شوند مثل قسمتی از دعای عشرات که ده بار تکرار می شود با این مضمون که:

هیچ خدایی بجز الله نیست او یکتا و بی شریک است ملک وجود همه از اوست و ستایش مخصوص اوست او لطیف است و دانا. هیچ خدایی بجز خدای یکتا نیست او یگانه و بی شریک است و ملک وجود از او و ستایش خاص اوست که مردمان را زنده می کند و می میراند و می میراند و باز زنده

می‌کند و او خود زنده ابدی است و هر خیر و نیکی به دست اوست و او به هر چیز تواناست. آمرزش می‌طلبم از خدایی که بجز او خدای زنده ابدی نیست و بسوی او از گناه باز می‌گردم.....

و این تلقین، شخص را به مرور به یک موحد پارسا تبدیل می‌کند که تنها رضای خدا را می‌جوید همچنانکه راز تکرار نماز در ساعات مختلف شبانه‌روز تأثیر تلقین بر روح و روان آدمی است و همه تلاش اسلام معطوف این است که انسان موحد پارسای خداشناس پا به عرصه بگذارد و همه جلوه‌های شرک به آتش مقدس توحید بسوزد.

در دعا افراد از تنهایی و غربت زمین در می‌آیند و ضعیفان و مستمندان احساس می‌کنند که پشتیبان‌های قوی دارند.

در این خطاب زیبا از دعای يستشیر دقت کنید که چه بار عاطفی و چه پشتیبان عظیمی را ایجاد می‌کند:

بر هر سر پنهانی بینا و آگاهی، درگاه تو مرجع هر حاجت است و تورافع هر غم و اندوهی، غنا و دارایی هر فقیری، پناه گریخته‌ای و ایمنی بخش هر دل ترسانی، نگهدار ضعیفانی و گنج فقیرانی.... تو کفایت می‌کنی امور هر بنده‌ای را که به تو توکل کند.

به حدی این دعا زیباست که هر چه بخوانید خسته نمی‌شوید در این باره به مفاتیح الجنان مراجعه کنید.

اینگونه است که پس از خواندن دعاهایی مثل يستشیر و

کمیل و جوشن کبیر - البته خواندن همراه با درک معنی و فهم عمیق مطلب - یک انسان موحد متعهد برمی خیزد انسانی که از درون متحول شده است، قوی، صبور و بردبار، متوکل به خدا، محکم و انسانی رشید، خالص شده و شهید از جا برمی خیزد و در راه رضای خدا کار می کند و می بخشد، با انفاق و خیرخواهی اجتماعی جامعه اش را می سازد و با نماز به عرش الهی پیوند می خورد و با دعا از هر پیوند زمینی جدا می شود و در گفتگوی مستقیم و بدون حائل با خدا پوسته ظاهر را می درد و روحش در عرش اعلای الهی به پرواز درمی آید و..... با خدا سخن می گوید. در عین حال دعا یک کارکرد دیگر هم دارد، فرازهایی از دعاها به آسیب هایی که انسان و جامعه را تهدید می کند اشاره دارند و با آسیب شناسی در صدد اصلاح جامعه اند.

در بعضی از دعاها نیز مثل دعاهای امام سجاد به انسان خیرخواهی اجتماعی تلقین می شود:

بار خدایا بر ساکنان گورها شادی و سرور درآور.

بار خدایا هر نیازمندی را بی نیاز کن.

خداوندا هر گرسنه ای را سیر گردان.

خدایا هر برهنه ای را بپوشان.

بار خدایا و ام هر بدهکار را بپرداز.

بار خدایا گرفتاران را از رنج و بلا رها کن.

خداوندا هر آواره ای را به وطنش بازگردان.

خدایا هر اسیر و دربندی را آزاد کن.
 خداوندا فاسد را از امور مسلمانان اصلاح فرما.
 بار خدایا هر بیماری را بهبودی عنایت فرما.
 خداوندا رخنه نداری ما را با دارایی خودت مسدود کن.
 خداوندا بد حالی ما را به خوشحالی خودت تغییر بده.
 بار خدایا وام ما را پرداز و ما را از فقر و نیازمندی بدر آر که
 تو بر هر چیز قادر و توانایی.

حتی این خیرخواهی اجتماعی تا جایی پیش می‌رود تا فرد
 منافع فردی‌اش را فدای منافع اجتماعی و عمومی کند چنانکه
 شهادت عالیت‌ترین آن است و گاه بعضی‌ها به درجه‌ای می‌رسند
 که شهید زندگی می‌کنند، شهیدان زنده‌اند، زندگان شهیدند.
 نیایش لازمه روحی یک انسان موحد است. انسان موحد
 در پرتو سخن گفتن با خدا آرامش می‌یابد و روحش در ملکوت
 خدا به پرواز درمی‌آید یکبار دیگر می‌گویم چگونه می‌شود که
 ما بنده خداییم و عزیزترین و تواناترین دوست و یاور ما
 خداست اما روزانه حداقل همانقدر که با دوستان و آشنایان و
 نزدیکان و غریبه‌ها صحبت می‌کنیم با خدا سخن نمی‌گویم؟
 نیایش به انسان آگاهی و آگاهی، به انسان خدا آگاه جسارت
 می‌بخشد تا در زمانه سفاکی که همه را به کرنش در برابر
 قدرتهای رنگارنگ می‌کشاند به خیر و نیکی احترام بگذارد و
 در برابر صاحبان قدرت که وی را به چیزی جز توحید و توکل
 فرا می‌خوانند بگوید:

تو نیز مثل من هیچکس نیستی، اگر هر چقدر ثروت داری، اگر صاحب قدرت و مقامی، یا اگر هیچ چیز در دنیا نداری، تو هیچکس نیستی، صاحب همه چیز خداست پس به خدا رو کن.

حتی یک لحظه بی اجازه و بی اراده او نمی توانی نفس بکشی، نابود می شوی، بطور کامل نابود می شوی.

دعا نیایش مناجات

من هم بین معنای لغوی دعا، نیایش و مناجات در زبان فارسی تفاوت قائلم و هم هر سه را از نظر کاربرد عمومی یکی می دانم چنانکه بسیاری از مردم یکی می دانند. من هم معتقدم که دعا، خواستن و طلب کردن است، حاجت خواستن است؛ و نیایش، سخن گفتن عاشقانه با خداست بی خواستن و طلب؛ و مناجات بر خلاف دعا که می تواند جمعی باشد خلوت خصوصی و نجواگونه انسان است با خدا؛ و هم هر سه را یکی می دانم چرا که هم در عمل و هم در ذهن مردم هر سه در عین جدایی معنایی و لغوی، از نظر مفهومی و عملی یکی و آمیخته است.

رابطه من - تویی

یکی دیگر از خصوصیات دعا و نیایش و مناجات این است که رابطه ما با خدا در آن لحظه که می تواند یک لحظه کاملاً

زمینی هم باشد در همه حال، همه وقت، یک رابطه بسیار نزدیک و صمیمی از نوع من - تویی است، من - شمایی نیست، من - تویی است.

خداوند از ما نمی‌خواهد که او را شما خطاب کنیم عالیجناب یا حضرت آقا خطاب کنیم منی خواهد همچنانکه به او بسیار نزدیکیم و بهترین آفریده اویم او را تو خطاب کنیم به ضمیر یا به نام.

و می‌خواهد که با او بدون لفاظی و ادا و اطوار و راحت و بی‌دغدغه و در نهایت آرامش حرف‌مان را بزنیم و خواسته‌مان را بگوییم و این خصوصیت فرمانروای کل کائنات و مدیر مدبر همه هستی است و استجابیت دعاها و حمایت از انسان خصوصیت دیگر اوست که می‌گوید: اُدعونی استجب لکم. بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.

توضیح آنچه خواهید خوانند:

بخش اول کتاب با عنوان «یک قطره از دریا» به قول شاعر معاصر استاد موسوی گرمارودی «شتک خیزاب امواج است که یک دو قطره بر دیواره جام نشسته است»^(۱) و برگزیده‌ای است از نیایشها در طول تاریخ؛ جملاتی گهربار از دعا‌های کمیل، ندبه، توسل، استغفار و تعدادی از نیایشهای رسول

کرم علیه السلام و مولا علی و امام سجاد علیهما السلام است به قصد تبرک این اوراق و همچنین برگزیده‌ای از نیایشهای تعدادی از بزرگان است که فقط به قصد نمونه آورده‌ام چرا که ادبیات و فرهنگ ما مملو از نیایش است اما حتماً جالب توجه و زیباست نوع نگاه و زاویه دید و لحن گفتگو با خدا و خواسته افراد از او که هم برخاسته از خصوصیات فردی و نوع دید است و هم زاییده زمان.

بیشتر از این حتماً احتیاج به پژوهشی منسجم دارد نه نگاه گذرای این مجال کوتاه. اما با این حال همانطور که گفتم جالب توجه است آگاهی از نوع سخن گفتن خواجه عبدالله انصاری و نورالدین عبدالرحمن جامی و سعدی و مثلاً سلطان ولد فرزند مولانا و صائب با خداوند متعال؛ و همچنین نوع نیایش و دغدغه‌های عصر ما در کلام امام خمینی علیه السلام و دکتر علی شریعتی و دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی دیدنی و خواندنی است و همه در عین تفاوت و رنگارنگی با هم سنخیت هم دارند به هر حال این موضوع پژوهشی مفصل می‌طلبد که این زمان بگذار تا وقت دیگر.

و قسمت دوم با عنوان «دغدغه‌ها» دغدغه‌های یک بنده ناچیز در برابر آفریدگار همه چیز است یا بقول جلال آل احمد قصه «خسی در میقات»^(۱)؛ و هم قصه بعضی از دغدغه‌های

نسل امروز است من امروز است که در سخن گفتن مستقیم با خدا بر زبان می آورد.

و همه اینها با همه کمبودهایی که خود نیز به بسیاری از آنها واقفم نه به قصد تظاهر و خودنمایی بوده است و نه هیچ، فقط عرض ادب یکی از آدمهای نسل امروز است به ساحت قدسی و چاب آن به قصد تهییج یا آگاه کردن نسل امروز است به سخن گفتن با حضرت حق. خدا دوست دارد که با او سخن بگوئیم، همچنانکه با دیگران سخن می گوئیم آیا با او نیز سخن خواهیم گفت؟!*

* * * * *